

یاد داشت سردبیر

نوآوری چیست؟

(۲)

دکتر حمزه گنجی

گاهی اتفاق می افتد که انسان برای حل مشکلات خود، راهبردهای تازه‌ای کشف می کند. این جاست که از نوآوری سخن به میان می آید. در این هنگام خیال می کنیم که حتماً باید موضوع تازه‌ای مطرح کرد، موضوعی که قبلاً درباره آن سخنی گفته نشده است. همین طور، وقتی از تعلیم و تربیت نوین یا نوآوری آموزشی صحبت می کنیم، چنین به نظر می رسد که هرچه تا به حال بوده است، باید کنار گذاشته شود و برای حل مسائل آموزشی، راه حل های کاملاً تازه ای به وجود آید. واقعیت این است که انسان ها در هر دوره ای، از نوآوری صحبت می کنند و می خواهند برای حل دشواری های خود، راهبردهایی ابتکاری به وجود آورند. اما می توان گفت که در عصر حاضر، بیش تر از همیشه به نوآوری، مخصوصاً نوآوری آموزشی نیاز است. زیرا پیشرفت انفجاری فناوری و وسایل ارتباط جمعی در حدی است که عدم هم گامی با آن ها موجب عقب ماندگی خواهد شد.

همه از نوآوری سخن می گویند، همه می خواهند برای حل دشواری های خود، راهبردهای ابتکاری بیابند. اما در تعریف نوآوری اتفاق نظر ندارند. به عقیده گروهی از روان شناسان که «روان تحلیل گران» نامیده می شوند، نوآوری همان تصعید^۱ است. تصعید یعنی: جابه جایی تمایلات درونی در جهت تعالی یک هدف اجتماع پسند و سطح بالا.

اما انسان گرایان، نوآوری را معادل «خود شکوفایی»^۲ می دانند و می گویند، انسان ها می توانند توانایی های خود را رشد دهند و مطابق زمان پیش بروند. گروه دیگری از روان شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت که به مطالعه هوش و عوامل تشکیل دهنده آن می پردازند، معتقدند که نوآوری یعنی «تفکر واگرا»^۳.

تعریف اخیر، یعنی: «معادل دانستن نوآوری با تفکر واگرا»، را اکثریت قریب به اتفاق روان شناسان و مربیان تعلیم و تربیت می پذیرند. تفکر واگرا یعنی بیرون رفتن از چارچوب یا از قالب موجود و در حاشیه فکر کردن؛ تفکر واگرا یعنی: انحراف از افکار سنتی و کاملاً دیکته شده. برای روشن تر شدن این مفهوم مثالی آورده می شود:

فردی از شما می پرسد: «مشهورترین اسب دنیا چه نام دارد؟» پاسخ شما می تواند چنین باشد: رخس،

دلّیل، اسب تازی، اسب ترکمن، و... بنابراین، شما به دنبال اسم حیوانی می‌گردید که از آن به عنوان اسب نام برده می‌شود. شما همان کاری را انجام می‌دهید که اکثر مردم انجام می‌دهند؛ یعنی دنبال اسم یک اسب واقعی می‌گردید که مشهورتر از بقیه انواع آن باشد. این نوع تفکر نه تازه است، نه نوآوری دارد و نه واگرا نامیده می‌شود. زیرا اکثر مردم همین کار را انجام می‌دهند. در واقع، اگر شما برای حل یک مسأله بسیار دشوار، راه‌های موجود را پیدا کنید، آدم نوآور یا خلاق به حساب نخواهید آمد. همین‌طور، دبیر یا دانش‌آموزی که می‌تواند مسأله ریاضی، فیزیک یا شیمی بسیار دشوار را با راه‌های از پیش موجود حل کند، هرگز نوآور یا خلاق به حساب نخواهد آمد. نوآور به کسی گفته می‌شود که افکارش متفاوت از افکار دیگران باشد و در عین حال، به حل مسأله کمک کند. با وجود این، کسی که بگوید: «مشهورترین اسب جهان، اسب بخار نام دارد»، فردی نوآور است و تفکر واگرا دارد. او، چارچوب از پیش تعیین شده را در هم می‌شکند، پای از گلیم خود بیرون می‌گذارد و راه‌های تازه را می‌آزماید.



1. sublimation
2. self realisation
3. divergent thinking